

# به مثابه روش زیستن در جهان سرطانی

## هادی خانیکی

ما در منزل جانان چه امن عیش چون هردم/ جرس فریاد می‌دارد که  
بربندید محمل‌ها حافظ

1- جهان زیست سرطانی بیش از هر جهانی برآمده از «بیم و امید» و «تحدید و فرصت» است. بیم از ورود عنصر و عاملی متفاوت با عناصر و عوامل متعارف موثر بر زندگی و تحدید شرایط و زمینه‌های زیستن به روال معمول و امید به خلق فرصت‌های نو برای بازاندیشیدن در معنا و بازآفریدن نقشی نوتر و اثربخش‌تر در حیات فردی و اجتماعی؛ البته در تجربه من از سرطان وزن وجه امید و فرصت، سنگین‌تر از جنبه‌های هراس‌آمیز و تحدیدآمیز آن بوده و هست. با این حال دانش پزشکی می‌گوید باید مدام رصد شوم - و می‌شوم - و نظام معرفتی من می‌خواهد در برابر زمان‌های از دست رفته و لحظه‌های پیش رو بازاندیش باشم و آینده‌بین - که می‌کوشم چنین کنم - و در عالم واقع ترکیب این دو هم برای من ناممکن نبوده و نیست. در روزهایی که گذشت سوگوار مرگ حسین زمان هنرمند دغدغه‌مند و کنشگر این زاد و بوم که سرطان صدایش را که صدای بی‌قدرتان بود خاموش کرد و همه دغدغه‌مندان فرهنگی و کنشگران سیاسی را به تأمل در باب نسبت میان شدت و شتاب ابتلا به بیماری با تحدید آزادی‌های فردی و عدالت اجتماعی دعوت کرد. من نیز در همین حال ملزم بودم که به رصد وضعیت سرطانی خود پردازم. از این رو و در امتداد همان تکاپوهای متراکم و متنوع روزانه‌ام برای گرفتن پت اسکن به بیمارستان رفتم، تصویربرداری پیچیده و همه جانبه از تمامی بدن برای سنجش سلول‌های بیمار و مستعد بیماری ضرورتی پزشکی در فرآیند درمان است که مبنای آن تمکین از «رصد» به مثابه روش زیستن در جهان سرطانی است.

2- درس مهم ابتلای تن به سرطان بالا رفتن حساسیت نسبت به ابعاد سلامت و تلاش مشترک پزشک و بیمار و اطرافیان‌ش برای درمان پیشگیرانه دردهای جانبی است، گویی «بیماری» مدام در حال دادن هشدار است و دعوت به نظارت خودخواسته بر مولفه‌های ناخوشی و سلامت. بیماری و تجربه‌های برآمده از آن در این فرآیند از جنس انگ نیستند که بیمار

را ناتوان‌تر و رنجورتر کنند، آژیرند تا او را سریع‌تر به موقعیت درمانی برسانند. «رصد» وقتی به هنجار و خودگزين می‌شود از تحدیدها فرصت می‌سازد.

3- جامعه نیز از همین نیاز و الزام برکنار نیست، نشانه‌های سلامت و بیماری آن را باید به موقع دید و مدام رصد کرد. آژیرهای سرطان وطن می‌توانند و باید راه را برای درمان جدی‌علائم و عوامل بقا یا بازگشت بیماری باز کنند. در همنشینی با درد و رنج جای هیچ‌گونه غفلت و فراموشی نیست، باید در جهان زیست‌سرطانی چه فرد و چه جامعه به قواعد و لوازم پیشگري و درمان تن بدهند. شناخت درست مساله و زمینه‌ها و ابعاد و پیامدهای آن قاعده و الزام نخست است که اگر به هنگام انجام گیرد به جای «بیم و سردرگمی»، «امید و افق‌گشایی» می‌نشانند، پدیده‌ای که نهفته در اراده خداوند و قدرت انسان و ظرفیت جامعه نیز هست و می‌تواند از قوه به فعل درآید.

4- باید و می‌توان از «رصد شدن و رصد کردن» فهمی درمان‌گرانه و بهبودبخش داشت؛ آنجا که تحولات شتابنده جهانی و تغییرات درازدامن اجتماعی ما را ناگزیر از ورود به این پهنه کرده است، نقش فعالانه ما بالا بردن توان انتخاب‌های نو می‌شود. انتخاب‌هایی که قادرند از «رصد کردن و رصد شدن» روش‌های نوین رویارویی با مخاطره‌ها و گذار از تنگناها یعنی زندگی در متن دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها را ترسیم کنند. دیوید میثون، فیلسوف اجتماعی اسکاتلندی که کارنامه‌ای درخشان در پژوهش پیرامون نظارت و فرهنگ آن دارد پیدایش وضعیت جدید و تناقض‌نمایی در نظارت یاد می‌کند که مضمون اصلی آن به اشتراك گذاشتن مواظبت و البته برجستگی نقش‌های انسانی و اجتماعی در آن است. ترجمه آخرین اثر او که با عنوان «فرهنگ نظارت؛ رصد کردن به عنوان روش زندگی» از سوی بهروز گرانپایه به انجام رسیده و توسط نشر کویر انتشار یافته است در این باب گفتنی‌ها و آموختنی‌های فراوان دارد.

5- مترجم این اثر به درستی می‌نویسد که «رصد کردن دیگران به قصد نظارت يك رفتار بسیار قدیمی است که در بیشتر تاریخ بشر، توسط افراد یا سازمان‌های خاص برای گروه اقلیت حاکم انجام گرفته است. در اواخر قرن بیستم با رشد فناوری، نظارت تغییر وضعیت داد و شرکت‌های بزرگ نیز برای جهت‌دهی به الگوی مصرف و رفتار مصرف‌کنندگان به رصد کردن روی آوردند و در زمره نهادهای نظارت‌کننده درآمدند. اما بار دیگر در قرن بیست و یکم که سبک زندگی در سایه پیشرفت‌های فناورانه و فضای دیجیتال تغییر کرده است، نظارت و فرهنگ آن تابع رفتارهای فرهنگی و مناسبات اجتماعی جدید شده است. در واقع همه یکدیگر را رصد می‌کنند.»

سخن درست و تعمیم‌پذیر و مرزی میان بیماری‌های تن و وطن و حتی سلامت این دو نیز نمی‌پذیرد. باید مدام برای هر دو هم نگران بود و هم امیدوار و در عین حال به علائم و آثیرهای رصد به موقع توجه کرد.

منب: [www.iranpress.com](#) 3 آذر 1402